

رودخانه آرزوها

گفت و گو با ندا عظیمی و مهکامه شعبانی

شرکت کنندگان در کارگاه نمایشگاه دوسالانه تصویرگری زاگرب

بنفشه عرفانیان

دوسالانه تصویرگری زاگرب (creation Biennial of Illustration) یا HBI، در سوم ژوئن سال ۲۰۰۸ میلادی برگزار شد. این دوسالانه، در کنار فعالیتهای فرهنگی دیگری در این شهر برگزار گردیده است؛ مانند انیمیشن و موسیقی. این دوسالانه که برای دومین بار فعالیت خود را به ثمر رساند، به حمایت یونسکو و بخش IBBY کرواسی برگزار شده است. آثار این نمایشگاه، شاخه‌های گوناگون هنری هم‌چون تصویرگری کتاب، مطبوعات، کودک و تبلیغات را شامل می‌شود و مسئول برگزاری آن، گالری "Klovicevi Dvori" است.

شرکت کنندگان این دوره از کشورهای ایران، اتریش، اسلواکی، ایتالیا، روسیه، مجارستان، اسلوانی، صربستان و کرواسی بودند. بیشترین آثار را کرواسی به خود اختصاص داده و از هر کشور، حداکثر ۱۰ تصویرگر و از هر تصویرگری ۶ اثر پذیرفته شده بود. در میان هیأت داوران، گرایش‌های متنوع هنری مانند گرافیک، کاریکاتور، دیجیتال، تاریخ هنر، هنرهای تزئینی و... به چشم می‌خورد. اعضای هیأت داوران عبارت بودند از:

- ۱ - Ranka Javor
- ۲ - Branka Hlevnjak
- ۳ - Feda Vukic
- ۴ - Frane Dulibic
- ۵ - Darko Glavan
- ۶ - Zeljko Ivanjek
- ۷ - Tonko Maroevic

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



آثار در دو بخش سالن بالا و پایین به نمایش درآمد که بخشی از سالن پایین، به نمایش آثار هنرمندان ایرانی اختصاص یافته بود. از جذابیت‌های شیرین سالن‌ها، یک هزارپای مقوایی کودکانه در رنگ‌ها و اشکال مختلف بود که بچه‌ها در اندازه بزرگ ساخته و رنگ‌آمیزی کرده بودند. دوسالانه زاگرب، در هر دوره به چهار نفر از برگزیدگان نمایشگاه جایزه می‌دهد. در این دوره، جایزه اول به مبلغ ۱۵۰۰۰ کونا (واحد پول کرواسی) و حق برگزاری یک نمایشگاه انفرادی در دوره بعد، به دوشان کالای (Dusan Kallay) از کشور اسلوواکی و از چهره‌های برجسته تصویرگری در دنیا، جایزه دوم به مبلغ ۱۰۰۰ کونا، به Zvonimir Balog از کشور روسیه، جایزه سوم و چهارم به مبلغ ۵۰۰۰ کونا، به ترتیب به کشور کرواسی و به لیندا ولف‌گروبر از کشور اتریش تعلق گرفت. جایزه‌ای از سوی هیأت داوران نیز به تصویرگر جوان Ivon Greg تعلق گرفت.



دومین دوسالانه تصویرگری کرواسی، بیشتر به شرح موضوعات، تجربیات و دستاوردهای اولین دوسالانه می‌پردازد و به پیشنهادات تصویرگران توجه نشان می‌دهد.

کارشناسان هنری این دوسالانه، زمینه‌های پذیرش تصویرسازی را گسترش داده‌اند؛ به گونه‌ای که نمایشگاه دوم حتی شامل کتاب، روزنامه، تصویرگری کودک و تصویرسازی تجاری هم بوده است. تجربیاتی که از دریافت‌های شخصی تصویرگران در اولین نمایشگاه به دست آمده، میزگردی درباره تصویرگری و سخنرانی‌های دو مدرس مدعو (استادیار Frane Dulibić، دکتر و مورخ هنری Barbara Vujanović) بود.



از سویی مرور مجموعه‌های چاپی، دست‌اندرکاران نمایشگاه را به این سمت هدایت کرد که رویکرد و مفهوم نمایشگاه دوم را تغییر دهند. اولین دوسالانه تصویرگری زاگرب، در گالری Klovičevi Dvori، توسط Ranka Javor و بر اساس فکر کارشناس هنری گالری و با هدف بالا بردن کیفیت نمایشگاه‌های تصویرگری و کاریکاتور، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، در گالری Gradec و برج Lotrščak برگزار شد که آن را به اتفاقی مهم‌تر و مکانی مناسب‌تر تبدیل کرد. از جمله نتایج مثبت این دوسالانه، تأکید بر ارزش‌گذاری آثار با استانداردهای تازه، به منظور ارتقای نمایشگاه بود. اولین دوسالانه، از ششم ژوئن ۲۰۰۶ تا سی‌ام ژوئیه ۲۰۰۶، در سالن‌های نمایش گالری Dvori Klovičevi، با نمایش آثار تصویرگران معاصر کروات در بستری بین‌المللی برگزار شد و سرآغازی بود برای حضور رو به رشد هنرمندان خارجی.



دو سال از اولین دوسالانه تصویرگری کرواسی که حدود صد تصویرگر در آن شرکت کرده بودند، می‌گذرد. از میان این تصویرگران، چهل و پنج نفر از کرواسی و ۱۰ نفر از هر کشور اتریش، ایران، اسلوواکی و اسلونی بودند. تأکید این بی‌ینال، در وهله اول معرفی سنت و تاریخ تصویرگری کرواسی، در پس‌زمینه بین‌المللی وسیع‌تر و تأثیر مثبتی است که می‌تواند بر تصویرگران کتاب کودک کرواسی داشته باشد.

امروزه به دلیل تأخیر در چاپ کتاب‌های تصویرگران کرواسی، بسیاری از آن‌ها به سوی کار کردن برای ناشران خارجی جلب می‌شوند، اما حضور شانزده تصویرگر در BIB سال ۲۰۰۷، نشانه خوبی برای احیای نشر کتاب مصور در کرواسی بود. در حال در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، مشکلات بدتری در زمینه نشر کتاب‌های مصور در این کشور وجود داشته است. تولید دوسالانه کتاب‌های مصور و تصویرگری کودکان و نوجوانان، کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد.

در دو سال گذشته، کمبود کتاب مصور هنری، حتی مسیر تولید کتاب‌های مصور را به سوی تولید کتاب‌های آموزشی و علمی کشانده که پایین‌تر از حد استاندارد تولیدات کتاب‌های کروات است؛ چه در محتوا و چه از نظر تصویرسازی. متأسفانه ناشران، به دلیل شرایط بازار، ترجیح می‌دهند با هنرمندان ناشناخته و تثبیت نشده، کار کنند. بسیاری از بنگاه‌های نشر، هنوز معتقدند یک کتاب هنری فقط می‌تواند به وسیله یک هنرمند قابل به وجود بیاید؛ گرچه اغلب اذعان دارند که به این نوع کتاب‌ها علاقه‌مند هستند.

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت، شرحی مختصر از چگونگی برگزاری دوسالانه تصویرگری زاگرب و خلاصه‌ای از وضعیت کنونی نشر در کرواسی بود که در مقدمه کاتالوگ امسال این نمایشگاه به چاپ رسیده است. هنرمندان تصویرگر ایرانی، در اولین و دومین دوسالانه تصویرگری زاگرب حضور داشته‌اند و در این دوره، علاوه بر این، دو هنرمند زن ایرانی برای برگزار کردن کارگاه یا ورکشاپ، از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان معرفی شدند. درباره کیفیت این برنامه و چگونگی برگزاری آن، با این دو هنرمند، یعنی خانم‌ها ندا عظیمی و مهکامه شعبانی و هم‌چنین خانم لیلی حائری که نقش مسئول یا کارشناس هنری (Art Curator) را بر عهده داشته، گفت‌وگوهایی انجام داده‌ام که اطلاعاتی درباره کم و کیف این دوسالانه و چگونه حضور هنرمندان ایرانی در آن را در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهد داد.

● بعد از تبریک به خاطر موفقیت شما، چه شد که در بین ده هنرمند پذیرفته شده در این دوسالانه (علیرضا گلدوزیان،



آناهیتا تیموریان، سیروس آفاخانی، فرشید مثقالی، حسن عامه‌کن، هدی حدادی، نرگس محمدی، راشین خیریه، ندا عظیمی و مهکامه شعبانی)، این امکان به ندا عظیمی و مهکامه شعبانی داده شد تا، هم آثارشان را معرفی کنند و هم ورکشاپ برگزار کنند؟

ن.ع: کارهای ما به دلیل داشتن خصوصیات بومی و ایرانی (در آثار مهکامه) و استفاده از کلاژ (در کارهای خودم) انتخاب شد. کلاژ خلاقیت کودکان را تقویت می‌کند و باعث می‌شود بچه‌ها یاد بگیرند متریال‌ها را در ذهن‌شان طبقه‌بندی کنند.

م.ش: من فکر می‌کنم به دلیل استفاده از فضای مینیاتور ایرانی در کارهایم انتخاب شدم.

حائری: ما در کانون برنامه سالانه اعزام تصویرگران به کارگاه‌های تصویرگری داریم و چون این دو تصویرگر، نسبت به بقیه فرصت‌های این‌چنینی کم‌تری داشتند یا اصلاً نداشتند و آثارشان هم متعلق به کانون بود، این تصمیم گرفته شد.

• راجع به ورکشاپ و کارگاهی که داشتید، بگویید.

ن.ع: ورکشاپ از ۳ تیرماه ۱۳۸۷ (۲۳ ژوئن ۲۰۰۸) شروع شد. ساعت ۱۱ صبح برگزارکنندگان نمایشگاه، خانم Koraljka Jurceckos که مسئول برگزاری کارگاه‌ها و Helena که دستیار کارگاه‌ها بود، به استقبال ما آمدند. با ۱۰ نوجوانی که برای شرکت در کارگاه آمده بودند، از نمایشگاه دیدن کردیم. چند غرفه را دیدیم و در بخش آثار ایرانی، درباره آثار و تکنیک‌ها و داستان و فضاسازی آثار توضیح دادیم.

• آیا محدودیت سنی برای شرکت‌کنندگان در کارگاه وجود داشت؟

ن.ع: با محدوده سنی ۱۰ تا ۱۴ سال کار کردم.

• آیا قبلاً هم تجربه کارگاهی با هنرجوی کودک و نوجوان داشتید؟

ن.ع: تجربه کار با بچه‌های مهدکودک را داشتیم.

• آیا از آثاری که در جریان ورکشاپ تولید شده بود، کاتالوگی چاپ کردند؟

ن.ع: در زاگرب از تمام ورکشاپ‌ها، علاوه بر کاتالوگ خود نمایشگاه، کاتالوگ چاپ می‌کنند.

• آیا قبل از سفر، درباره موضوع کارگاه و اجرای آن ایده‌ای داشتید؟

ن.ع: بله، با مشورت کانون تصمیم گرفتیم به عنوان یک ایرانی، از اسطوره‌ها و آیین‌های ایرانی در کارهایمان استفاده کنیم. من یک داستان ایرانی، یعنی داستان زال و سیمرغ را انتخاب کردم و بر اساس شاهنامه و منطق‌الطیر، این دو شخصیت را به شرکت‌کنندگان معرفی کردم. در مورد خصوصیات مثل موهای سفید زال و رنگ صورت زال حرف زدم و به آن‌ها گفتم این دو کاراکتر را در فضای شهری زاگرب قرار بدهند. قبل از سفر، مجموعه‌ای از طرح‌های سنتی ایران مثل اسلیمی و گیاهان و گل‌های دوره ساسانی و بعد از اسلام را در طرح‌های خود آنالیز کردم و آن‌ها را با خودم بردم. البته آن‌ها را در شروع کار نشان ندادم؛ چون تحت‌تأثیر مستقیم قرار می‌گرفتند. وقتی شروع می‌کردند و طرح می‌زدند، کاری با آن‌ها نداشتیم، اما وقتی می‌خواستند کار را سر و سامان بدهند، طرح‌ها را نشان می‌دادم.

• آیا بچه‌ها راحت با موضوع ارتباط برقرار کرده بودند؟

ن.ع: نوجوان‌ها منطقی کار می‌کردند و زیاد سؤال می‌کردند. می‌پرسیدند آیا زال مریض بوده؟ آیا عصبانی

بوده؟ از سیمرغ می‌ترسیده؟ یا نه؟ این‌ها پرسیده‌ها و چه‌طور به زال کمک می‌کرده؟ خانه‌اش کجا بوده؟ اما گروه سنی پایین‌تر، سریع شروع به کار می‌کردند. کارها حیرت‌انگیز از آب درآمدند. مثلاً یکی از بچه‌ها زال و سیمرغ را روی کلیساهای بلند و شیروانی‌های شهر کشیده بود. بچه‌ها اول اتود می‌زدند و طراحی می‌کردند و من در حین کار، پلان‌بندی کار را به شکل کلاژ هدایت کردم. بعضی دوست داشتند ترکیبی کار کنند؛ مخلوط کلاژ و یک ابزار دیگر.

• از چه تکنیک‌هایی استفاده کردید؟

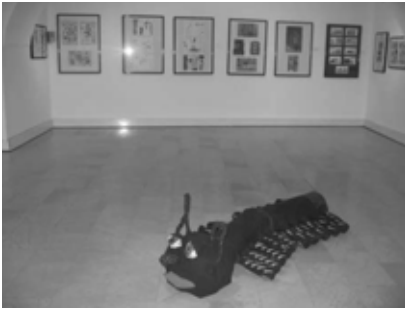
ن.ع: کار با کاغذ، چروک کردن کاغذ، ایجاد بافت و چاپ روی کاغذ با مقوا و منوپرینت.

• آیا استفاده از تکنیک، بچه‌ها را از اصل و محتوای کار دور نکرد؟

ن.ع: نه، چون تمرکز بیشتر روی مفهوم بود. بعضی می‌گفتند ما نمی‌توانیم کلاژ کار کنیم، ولی کار با کلاژ به آن‌ها ذهنیت داد.

• آیا تنوع ابزار کار در زاگرب، بیش از ایران بود و چه ابزاری برای کار در اختیار شما قرار دادند؟

ن.ع: برای روز اول متریال نخواستم و با دورریزها کار کردیم؛ مثل کاغذ، پارچه، روزنامه، کف و از نظر ابزار هم تنوعش از ایران بیشتر بود. مثلاً یک‌جور چسب داشتند که توی آن تکه‌های رنگی و اکیلی ریز داشت و چسب‌های نواری رنگی که



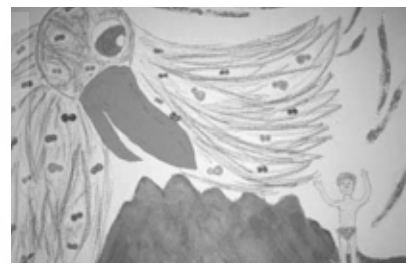
روی‌شان اشکالی وجود داشت و یک چیزی پانچ شده که پشت چسب‌دار بود و برای کاردستی مخصوص بچه‌ها به کار می‌رفت. کارگاه دو ساعت بیشتر از ساعت تعیین شده، یعنی بیشتر از ۱ ظهر طول کشید؛ چون نوع تکنیک برای‌شان خیلی جذاب بود. روز دوم که ۴ تیر (۲۴ ژوئن ۲۰۰۸) بود، کارگاه از ساعت ۷ تا ۹ شب با شرکت‌کننده‌های بزرگ حدود ۳۰ تا ۶۰ ساله برگزار شد. ۱۲ خانم که بعضی تصویرگری هم می‌دانستند، شرکت کردند. تجربه کار با بزرگسال‌ها جالب بود. جالب این‌که این دوسالانه برای کارگاه و ورکشاپ به بزرگسال‌ها چه هنرمند، چه خانه‌دار، چه پزشک و... و علاقه‌مند به کار هنری، پیشنهاد شرکت در این کارگاه را می‌دهد و هیچ آگهی برای این کار نمی‌دهند. آن‌قدر علاقه‌مند زیاد است که مردم خودشان دنبال این جور جاها می‌گردند و از ترس این‌که متقاضی‌ها بیش از حد باشند، آگهی نمی‌دهند. در آن‌جا از همه قشری به شرکت در این برنامه‌ها علاقه نشان می‌دهند.



● با شرکت‌کنندگان بزرگسال چگونه برخورد کردید؟ روش کار را تغییر دادید یا باز هم کلاژ کار کردید؟
ن.ع: با آن‌ها دیگر کلاژ کار نکردم و موضوع هم آزاد بود. از تکنیک‌های پاستل گچی و روغنی و آبرنگ و ماسک کردن و رنگ غلیظ روی آن استفاده شد. از موضوعاتی استفاده کردیم که در آن خیال و رویا باشد. خودم این‌طور موضوعات را دوست دارم؛ چون محدودیت فضا در آن وجود ندارد. بیشتر آن‌ها موضوع منظره را انتخاب کردند و ذهنیت‌شان در مقایسه با بچه‌ها و نوجوانان محدود بود.



● البته این در هر کشوری امری طبیعی است.
ن.ع: بله. در ورکشاپ اول کارها خیلی جالب‌تر بود و بچه‌ها خودشان پیش می‌رفتند. اول برای کار با بزرگسال‌ها می‌خواستیم تکنیک چاپ را مطرح کنیم، اما بر اساس علاقه جمع، بیشتر پاستل کار کردیم. روز سوم، یعنی ۵ تیر ماه (۲۴ ژوئن ۲۰۰۸)، از ساعت ۱۱ تا ۱ کارگاه داشتیم که باز هم برای کودکان بود و خانم طراح لباسی به نام Andrijana Pjajcic، چند لباسی را که دوخته بود، آورد که رویش طراحی شود و از ما خواست به شکل بداهه روی آن‌ها طراحی و تصویرسازی کنیم. به نظر خیلی کار خطرناکی می‌رسید؛ چون امکان برگشتی در کار وجود نداشت. وقتی من خواستم روی کاغذ اتود بزنم، آن خانم گفت لازم نیست. می‌خواهم کار بداهه باشد و مهم نیست که اشتباهی بشود. می‌خواهم ذهنیت اتود روی کار بیاید. آن خانم از من درخواست یک اسم برای شوی لباسش کرد و من نام «خورشیدخانم» را پیشنهاد کردم. در این کار سعی می‌کردم از پرنده‌هایی که داریم و اسلیمی‌ها استفاده کنیم و بچه‌هایی هم که کار می‌کردند، همان گروه نوجوان بودند و طرح‌شان را روی کاغذی کشیدند و حاشیه‌بندی لباس را با استفاده از طرح‌های تک‌تک و مبانی‌گونه انجام می‌دادند.



آثار خلق شده در کارگاه ندا عظیمی

● طرح‌های ایرانی که اسم بردید، در طراحی پارچه موفق‌تر بود یا در تصویرسازی؟
ن.ع: در طراحی پارچه کاربردی‌تر شد. روز چهارم ۶ تیر هم من یک کارگاه دیگر با بزرگسال‌ها از ساعت ۱۱ تا ۱ داشتیم و روز پنجم، ۷ تیر تعطیل بودیم و به گردش رفتیم و از منطقه Plitvicka Jezera دیدن کردیم و از ساعت ۱۱ تا ۱ با تصویرگران برجسته زاگرب دیدار داشتیم. در این جلسه ۱۰ تصویرگر بودند و به بحث درباره تصویرگری در کرواسی و ایران پرداخته شد و آثار تصویرگران شرکت‌کننده در طول جلسه نمایش داده شد. در این جلسه، مسئول کتابخانه ملی زاگرب به همراه دیگر شرکت‌کنندگان، کتاب‌های کودک در زاگرب را تحلیل و نقد کردند. با ما مصاحبه شد و آثارمان را به نمایش گذاشتند. در کل سه روز ورکشاپ داشتیم و در تمام این ورکشاپ‌ها دستیار داشتیم که یک زن نقاش به نام Helena بود. یک روز هم میتینگ رادیویی داشتیم که مصاحبه تخصصی با رادیوی ملی کرواسی بود.

● درباره پرسش‌هایی که کردند و پاسخ‌های‌تان بگویید.
ن.ع: پرسیدند به عنوان ایرانی، از ایران برای کروات‌ها چه آورده‌ای! می‌دانی کروات‌ها به فرهنگ ایرانی خیلی علاقه دارند و بسیار تحت تأثیر فرهنگ ایرانی هستند. کروات‌ها معتقدند که خودشان در واقع از ایران کوچ کرده و به کرواسی آمده‌اند. تعدادی هم به ترکیه کوچ کرده و با ترک‌ها آمیزش کرده و نژاد جدیدی به وجود آورده‌اند که اروپای شرقی را ساخته‌اند. نسل ایرانی آن‌ها در یوگسلاوی سابق می‌مانند و نژاد دیگری می‌سازند. همین‌طور به خاطر دین اسلام هم با ما احساس نزدیکی می‌کنند؛ چون آن‌ها همسایه هرزگوین هستند که مردمش مسلمانند.
 ● آیا این نزدیکی را در آثار تصویرگری‌شان هم دیدید؟

ن.ع: به نظر من در آثار کروات، افسانه‌ها متفاوتند. اما به‌طور کلی از لحاظ شیوه برخورد، آن‌ها هم مثل ما جزیبی‌نگرند. من درباره موضوع کارگاه توضیح دادم که چه جایگاهی در فرهنگ ما دارد و درباره شاهنامه و... و آن‌ها پرسیدند که حرفه تصویرسازی در ایران چه وضعیتی دارد و آیا با این حرفه می‌توانید زندگی‌تان را اداره کنید؟ من گفتم بستگی دارد در چه سطحی از تصویرگری باشید، ولی اصولاً تصویرسازی نسبت به گرافیک درآمد کم‌تری دارد. در صورتی که تصویرگری تخصصی‌تر از



آثار خلق شده در کارگاه مهکامه شعبانی

گرافیک است. مثل نسبت تأثر به سینما، یعنی سینما را عموم مردم دوست دارند، اما تأثر را همه دوست ندارند. گرافیک به نسبت تصویرگری عمومی‌تر است.

● منظورتان این است که گرافیک بیشتر می‌تواند تاریخ مصرف داشته باشد تا تصویرسازی؟ چون گرافیک بیشتر در خدمت تبلیغات و اموری است که باید در زمانی مشخص تبلیغ بشوند و در این تبلیغ، البته تصویرسازی هم می‌تواند سهیم باشد، اما مثلاً تأملی که یک تصویرگر در تصویرگری یک کتاب می‌کند و کتاب جزیی از وجودش می‌شود، نسبت به مثلاً بسته‌بندی آدامس که دور انداخته می‌شود، هم بیشتر است و هم اثر مانایی بیشتری دارد. البته می‌دانیم که بسیاری از آثار Self Promotion در حیطه گرافیک، دارای ارزش‌های هنری هستند و از آن قاعده مصرف‌گرایی جدا می‌شوند. از طرفی، پیوند ادبیات با تصویرسازی را هم نباید از نظر دور کرد. گاهی تصویرگران حتی طلا خرج مطلا می‌کنند و متن را بیش از ظرفیتش معنا می‌کنند.

ن.ع: بله. دقیقاً منظورم هنری است در خدمت تبلیغات از نوع مصرف‌گرایی که همه مردم به آن عادت دارند و آن را بیشتر می‌شناسند.

● نظر دست‌اندرکاران تصویرگری و تصویرگران، درباره تصویرگری امروز زاگرب چه بود؟

ن.ع: خیلی ناراضی بودند. از دولت و ملت‌شان ناراضی بودند. در کرواسی به لحاظ مالی مشکلات زیادی وجود دارد و هنرمندان به همین دلیل، به کشورهای اطراف رفته‌اند. بنابراین صنعت تولید کتاب‌شان فعال نیست و کتاب‌های ایتالیایی را می‌خرند و ترجمه و چاپ مجدد می‌کنند. پولی را که بابت کپی‌رایت کتاب‌ها می‌دهند، حاضر نیستند برای تصویرگران خودشان هزینه کنند؛ چون تصویرگران‌شان توانا هستند و می‌توانند در جای دیگر هم کار پیدا کنند!

● نظرتان درباره فرهنگ زاگربی‌ها چیست؟

ن.ع: بسیار انسان‌های خونگرمی بودند و از ما استقبال گرم و دوستانه‌ای کردند و شهر بسیار زیبا و سرسبزی است زاگرب!

● درباره کارهایی که تا حالا انجام داده‌اید، آثار چاپی و... برای‌مان بگویید.

ن.ع: در کل ۵۰ کار چاپی، به غیر از کارهای مطبوعاتی دارم. ۳۰ تا کتاب هم تصویرسازی و با ناشران خارجی هم کار کردم. از طرف کانون، یکی از کارهاییم در فرانسه چاپ شد به نام «هی با من دوست می‌شی؟» که سال گذشته انجام دادم. نویسنده‌اش مژگان کلهر بود. از طرف نشر شباویز هم یک کارم در چین چاپ شده که نویسنده آن علی کاکاوند است به نام «گرچه و ستاره‌ها». با یک ناشر ایتالیایی هم دو پروژه برداشته‌ام که یکی داستانی است که خودم نوشته‌ام درباره آموزش کنتراست به بچه‌ها و یکی دیگر هم از افسانه‌های قدیمی ایرانی است.

● تعداد زیادی از تصویرگران ایرانی، از طریق انتشارات شباویز، برای این دوسالانه کار فرستاده بودند که ظاهراً اصلاً بسته کارها باز هم نشده. دلیلش را می‌دانید؟

ن.ع: در زاگرب کارها را از طریق کارشناس هنری (Art Curator) هر کشوری می‌پذیرند که در ایران هم این سمت را خانم حائری دارند. ظاهراً آن‌ها فقط از ارگان‌های دولتی کار قبول می‌کنند.

م.ش: من در روز دوم، یعنی ۴ تیر ورکشاپ داشتم. من و ندا هر کدام سه ورکشاپ داشتیم. در روز دوم از ساعت ۱۱ تا ۱ کارگاه داشتیم.

● آیا درباره موضوع از قبل فکر کرده بودید؟

م.ش: من یکی از نمادهای قصه‌های عامیانه ایرانی، مثل «حسن کچل» را انتخاب کرده بودم. ورکشاپ بزرگسالان برگزار نشد و فقط با بچه‌ها کار کردم؛ بچه‌های ۸ تا ۱۰ ساله.

● از چه تکنیکی استفاده کردید؟

م.ش: گواش، روزنامه، کلاژ و...

● درباره روند کار برای‌مان توضیح دهید.

م.ش: من موضوع عید نوروز را که یک عید بزرگ است و برای ما ایرانی‌ها جایگاه خاصی دارد، به عنوان موضوع مطرح کردم. هم‌چنین، موضوع «رودخانه آرزوها» که قرار شد بچه‌ها رودخانه‌ای نقاشی کنند و برای هر آرزو یک سنگ در داخل رودخانه نقاشی کنند. من با خودم سنگ‌هایی برده بودم. با روزنامه و چسب کاغذی یک حجم نامنظم به عنوان سنگ درست کردیم. دستیاری داشتم که به من کمک می‌کرد. برای‌شان توضیح دادم که ما ایرانی‌ها در سیزدهمین روز شروع سال نو، روزی به اسم روز طبیعت داریم. در این روز، همه به دل طبیعت می‌رویم تا اوقات‌مان را در آن‌جا بگذرانیم. نفری یک سنگ

به دست می‌گیریم و برای سال جدید آرزویی می‌کنیم و آن را به رودخانه می‌اندازیم؛ به امید این که به آرزوهای مان برسیم.

● شرکت‌کنندگان را چه‌گونه هدایت می‌کردید؟

م.ش: دستیار من بر اساس چیزهایی که می‌گفتم، بچه‌ها را راهنمایی می‌کرد و خودش هم کار می‌کرد. بچه‌ها اکثراً حیوان می‌کشیدند و مضمون کارهای‌شان صلح و دوستی بود. من یک مقوای ۱۰×۷۰ آبی را به عنوان رودخانه در نظر گرفتم و گفتم سنگ‌ها را روی آن بگذارند و توی رودخانه نقاشی بکشند. برایم مهم بود به چه چیزی که می‌خواستند بکشند، فکر کنند. من در رنگ کردن سنگ‌ها کمک‌شان می‌کردم، اما اصلاً در دادن ایده به آن‌ها کمکی نکردم. جالب این‌که مادر تمام بچه‌ها هم آمده بودند، اما چون تعطیلات تابستانی بود، بازدیدکننده نسبت به اوقات دیگر کم‌تر بود.

● تنوع متریال در آن‌جا چه‌طور بود؟

م.ش: ما از قبل به مسئولان و رک‌شاپ اطلاع داده بودیم که چه ابزاری می‌خواهیم و شاید خیلی هم با ایران از نظر تنوع ابزار فرق نداشت؛ فقط قوطی‌های خیلی بزرگ رنگ داشتند که این‌جا پیدا نمی‌شود.

● تکنیکی که معمولاً در کار استفاده می‌کنید، چیست؟

م.ش: اکریلیک، کلاژهای کوچک.

● درباره فضای کارهای‌تان توضیح دهید.

م.ش: دوست دارم قصه‌هایی را تصویر کنم که خیلی نزدیک به واقعیت نباشند. من فضای خیال‌انگیز، سوررئال و رویاگونه را دوست دارم. سن پیش‌دبستانی کار نکرده‌ام و بیشتر برای گروه سنی نوجوان کار می‌کنم.

● درباره مصاحبه رادیویی برای مان بگویید.

م.ش: درباره دستمزد تصویرسازی در ایران پرسیدند و من گفتم کسی که با ناشرهای خوب کار بکند، تقریباً می‌تواند زندگی‌اش را بگذراند. تصویرگران در آن‌جا خیلی می‌نالیدند و از ناشران ناراضی بودند و می‌گفتند خیلی برای کار کردن فضا وجود ندارد. بیشترشان کار گرافیک می‌کنند و در کنار آن تصویرسازی هم انجام می‌دهند. ناشرها پول ندارند و سالی یک کتاب یا کم‌تر چاپ می‌کنند و تصویرگران بیشتر می‌روند سراغ ناشرهای خارجی تا با آن‌ها کار کنند. می‌گفتند حتی اگر ناشر خارجی پول مان را بخورد، فقط برای چاپ آثارمان این کار را می‌کنیم.

● نظرتان درباره آثار تصویرگری کروات در این نمایشگاه چه بود؟

م.ش: بخش کتاب برجسته بود و به جزئیات در کارها، توجه خیلی خوبی نشان می‌دادند.

● زاگرب را چه‌طور دیدید؟

م.ش: شهر زاگرب خیلی شبیه شمال ایران است و چون زادگاه من شمال ایران است، خیلی احساس نزدیکی با آن کردم. مردم این شهر هم برخورد خیلی خوبی با ما داشتند.

● آیا از موزه یا نمایشگاه در کنار فعالیت‌تان دیدن کردید؟

م.ش: بله، موزه معماران و نمایشگاه تصویرگری با موضوع «زن در آثار تجسمی».

● چرا آثاری که از سوی شباویز فرستاده شد، در نظر گرفته نشد؟

م.ش: به نظرم می‌رسد که زاگرب بودجه این کار را نداشته است. آن‌ها از یک سری کشورها نماینده انتخاب کرده‌اند که آن نماینده، تعدادی کار از کشور خودش انتخاب می‌کند می‌فرستد. با رایزن فرهنگی ایران در کرواسی مکاتبه شده بود و آن‌ها هم با ایران مکاتبه کرده بودند. در نتیجه، نظرشان این بود که باید حتماً با یک جای دولتی وارد مذاکره بشوند.

● از تجربیات کاری‌تان بگویید.

م.ش: من ۱۲ کتاب تصویرسازی کرده‌ام. با دو شماره از مجله جشن کتاب هم همکاری داشتم و با سروش کودکان و مجله رشد، انتشارات کانون، افق، مدرسه، نظر و... ۸ سال است که تصویرگری می‌کنم.

● سرکار خانم حائری، نظرتان را درباره این بی‌ینال بگویید.

حائری: بی‌ینال بسیار مهمی است و ما می‌توانیم نقش بسیار خوبی در آن داشته باشیم؛ به خصوص که در دوره پیش، ایران فقط در بخش نمایشگاه شرکت داشت، اما در این دوره در بخش مسابقه هم شرکت کرد. این بسیار اهمیت دارد که برای هنرمندان ما فرصت نمایشگاه انفرادی به وجود آمده است و این جریان‌ها باعث بیشتر شناخته شدن تصویرگری ایران می‌شود.

● از شما سپاسگذارم که در این گفت‌وگو شرکت کردید.

